

یادی از روان‌شاد مهرباب امیری

مترجم بختیاری

دانش عباسی شهنی



زنده‌یاد مهرباب امیری در سال ۱۳۰۴ شمسی در خانواده‌ای اصیل و سرشناس، در روستای جاراو از توابع بخش هفتکل شهرستان مسجدسلیمان متولد شد. پدرش قائد علی و پدر بزرگش قائد اسماعیل از بزرگان طایفه مکنونی به‌شمار می‌رفتند. امیری تا سال ۱۳۱۷ شمسی در هفتکل سکونت داشت و دوران دبستان را در مدرسه رودکی هفتکل سپری کرد. در همین سال به مسجدسلیمان عزیمت کرد و در سال ۱۳۲۳ توانست مدرک سیکل نهم را از دبیرستان سیروس مسجدسلیمان دریافت کند. بلافاصله معلم وزارت فرهنگ شد. بین

سالهای ۱۳۲۴ تا ۱۳۲۷ توانست دیپلم نظام قدیم را اخذ نماید و پس از آن به مدت سه سال آموزگار و مدیر دبستان روستای جاراو بود. از سال ۱۳۲۵ تا ۱۳۲۸ زبان انگلیسی را نزد معلمان انگلیسی در هفتکل فراگرفت. در اوایل سال ۱۳۲۸ برای ادامه راه بزرگی که در پیش داشت از معلمی کناره‌گیری و به استخدام شرکت نفت در آمد تا بدین ترتیب به کلاسهای آموزش زبان راه یابد. ابتدا به آغاچاری و سپس در آغاز سال ۱۳۲۹ به مسجدسلیمان منتقل گردید. همزمان در کلاسهای زبان انگلیسی در مسجدسلیمان شرکت کرد و دوره‌های متوسطه و پیشرفته را با موفقیت طی نمود. در سال ۱۳۳۳ از مسجدسلیمان به هفتکل انتقال یافت و تا مدت‌ها مسئول فروشگاه کارمندان شرکت نفت در این شهر بود. در سالهای ۱۳۳۴ و ۱۳۳۵ به منطقه نفت سفید منتقل شد. بار دیگر در سال ۱۳۳۸ به مسجدسلیمان برگشت و همان مسئولیت قبلی را تا سال ۱۳۲۵ عهده‌دار شد. سپس از مسجدسلیمان به آبادان منتقل گردید و در این شهر مسئول خدمات اجتماعی کارگران پالایشگاه و حومه شد. سرانجام پس از ۳۱ سال فعالیت صادقانه در اوایل مهرماه ۱۳۵۹ از خدمت بازنشسته گردید.

اگرچه امیری تحصیلات دانشگاهی نداشت، به علم و ادب علاقه‌مند بود و شوق مفروضی به تاریخ فرهنگ بختیاری داشت. نوشته‌هایش از عمق مطالعات، امعان نظر و اشراف وی بر زوایای تاریخ و ادبیات خودی و بیگانه حکایت می‌کند.

برای اولین بار در زمستان ۱۳۲۵ ه. ش مقاله‌ای در مورد آداب و رسوم بختیاری‌ها برای سالنامه

“فرهنگ خوزستان” نوشت و از آن پس با عطش زائد الوصفی نوشته‌ها و ترجمه‌های بسیاری در تاریخ ایران و به خصوص تاریخ و فرهنگ بختیاری به رشته تحریر در آورد. اولین کتابی را که نوشته و چاپ رسانید “بازیگر انقلاب شرق جمال‌الدین افغانی” نام داشت که در سال ۱۳۴۵ چاپ گردید. حتمه عمده فعالیت‌های فرهنگی او در خلال سالهای ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۷ و سپس از ۱۳۶۴ تا ۱۳۷۶ صورت گرفت. است.

نخستین سفر پژوهشی وی به خارج در سال ۱۳۵۴ بود و از آن پس دو الی سه سال یکبار به خارج مسافرت می‌کرد. از سال ۱۳۶۴ به مدت ده سال در خارج از کشور به سر برد. امیری بیشتر به آمریکا مسافرت می‌کرد و با کمک فرزنداناش که در آنجا به سر می‌بردند و با تکاپو و پیگیری زیاد سفرنامه‌ها، اسناد و مدارک به انگلیسی نوشته شده را شناسایی و آنها را ترجمه می‌کرد. از مصائب گردآوری گرفته تا دشواری‌های واژه‌گزینی مناسب، معادل‌یابی شایسته و هم‌سنگ فارسی، کوشش برای ایجاد نوعی تعادل و توازن و یکپارچگی در انتخاب لغت‌های مشترک برای مباحث مختلف، همه از کارهای طاقت‌فرسایی است که امیری با شور و شوق خستگی‌ناپذیری به آنها مبادرت می‌ورزید. کار ترجمه آمیزه‌ای است از قریحه، تفکر، همدلی، تعهد، هنر و علاقه. شاهکار وی ترجمه کتاب نفیس “کتاب سیاسی اجتماعی بختیاری” رساله دکترای پرفسور گارثویت می‌باشد که شایان بسی تمجید است.

امیری انسانی خوش اخلاق، متواضع، مؤدب، ساعی، وارسته به کمال، باذوق و دارای فضایل عالی بشری بود. از کمک و راهنمایی به افراد آشنا و غریب دریغ نمی‌ورزید و تلاش‌های بسیاری برای رفع مشکلات و حل معضلات آنها می‌نمود. وی به هنگام بازگشت از آخرین سفر خود، در ۲۶ خرداد ۱۳۷۶ به طور ناگهانی بیمار گردید و در بیمارستان مهر تهران بستری شد و سرانجام در روز یکشنبه یکم تیرماه ۱۳۷۶ نامدارترین مترجم تاریخ و فرهنگ بختیاری دیده از جهان فرو بست در حالی که چندین منبع تازه یافت را برای برگرداندن به فارسی همراه خود آورده بود.

روانشاد امیری مورخی توانا و مترجمی داناست که بیش از نیم قرن، قلم به دست با صفای نیت، لطف اندیشه و علو طبع خویش توانست با تمام هستی، رشته‌های الفت نسل‌های گذشته و حال را ماهرانه پیوند بزند و در اتحاد، اخوت، حفظ و تقویت حس همزیستی مسالمت‌آمیز بین چهارلنگ و هفت‌لنگ بختیاری همچون برادری مهربان و فهیم نقش‌آفرینی کند و عمر شیرین را در راه آرمان دیرین که همان احیای ارزش‌های پیشین قومی و هویت ملی است صرف کند و تا آخرین روزهای عمر پربرکت خود، همچنان استوار و مقاوم در راه خدمت به بالندگی و غنای فرهنگی-تاریخی ایران سعی وافر نماید و خستگی سفر و مشکلات و ریاضت‌های حضر را بپذیرد؛ چرا که دل پاک و زلال او از عشق به میهن و ایل لبریز بود و شعله‌های آتش فشان اصالت و افکار او خاموشی‌ناپذیر.

آثار و تألیفات وی

کتاب‌ها

الف: نوشته‌ها

۱. بازیگر انقلاب شرق. جمال‌الدین افغانی، با مقدمه ابراهیم صفائی، چاپ شرق، تهران، ۱۳۴۵، ۱۸۱ ص، مصور.
۲. زندگی سیاسی اتابک اعظم، با مقدمه ابراهیم صفائی، چاپ شرق، تهران، ۱۳۴۶، ۴۶۷ ص.
۳. خوزستان گهواره شاهنشاهی ایران، با مقدمه پرفسور گیرشمن، چاپ شرق، تهران، ۱۳۵۰، ۱۸۴ ص، مصور.

ب: ترجمه‌ها

۱. جنگ ایران و انگلیس و مسأله هرات، باربارا انگلیش، انتشارات وحید، تهران، ۱۳۶۶، ۱۹۳ ص.
۲. سفرنامه لایارد یا ماجراهای اولیه در ایران، سر اوستن هنری لایارد، انتشارات وحید، تهران، ۱۳۶۷، ۳۶۰ ص.
۳. ده سفرنامه یا سیری در سفرنامه‌های جهانگردان خارجی راجع به ایران، انتشارات وحید، تهران، ۱۳۶۹، ۳۶۲ ص.
۴. سیری در قلمرو بختیاری و عشایر بومی خوزستان، سروستن هنری لایارد و دیگران، انتشارات یساوولی (فرهنگسرا)، تهران، ۱۳۷۱، ۲۹۶ ص، مصور.
۵. با من به سرزمین بختیاری بیایید، الیزابت مکین روز، انتشارات آژان، تهران، ۱۳۷۳، مصور، ۲۴۸ ص.
۶. تاریخ سیاسی - اجتماعی بختیاری، جن‌راف گارثویت، چاپ اول، انتشارات آژان، تهران، ۱۳۷۳، ۴۰۰ ص.
۷. از یسوتون تا زردکوه بختیاری، ایزابلا بیثوب، انتشارات آژان، تهران، ۱۳۷۵، مصور، ۲۴۶ ص.
۸. بختیاری در آئینه تاریخ، جن‌راف گارثویت، انتشارات آژان، تهران، ۱۳۷۵، ۱۹۲ ص، مصور.

مقاله‌ها

۱. مقدمه‌ای بر خاطرات لایارد، مجله وحید، ۱۳۵۰.
۲. جدول طوائف بختیاری، کتاب خوزستان، ۱۳۵۰.
۳. مأموریت سیاسی لایارد در ایران، نشریه انجمن تاریخ در چندین شماره، سالهای ۱۳۵۷ تا ۱۳۵۰.
۴. خاطرات لایارد، مجله وحید و خاطرات وحید، چندین شماره، سالهای ۱۳۵۷ تا ۱۳۵۰.
۵. ایلخانی تسلیم می‌شود، نشریه انجمن تاریخ، چندین شماره، سالهای ۱۳۵۷ تا ۱۳۵۰.
۶. ایلخانی در اسارت، نشریه انجمن تاریخ، چندین شماره، سالهای ۱۳۵۷ تا ۱۳۵۰.
۷. پایان زندگی غم‌انگیز محمد تقی خان بختیاری، مجله گوهر، چندین شماره، ۱۳۵۷.
۸. خاطرات ساک ویل وست، ترجمه مهرباب امیری، کتاب آژان (کتاب اول)، انتشارات آژان، ۱۳۷۴، از ص ۷۴ تا ۵۶.
۹. حماسه علی مردان خان بختیاری، کتاب آژان (کتاب دوم)، انتشارات آژان، چاپ اول، بهار ۱۳۷۷، از ص ۹۰ تا ۷۳.
۱۰. یادداشت‌های متعدد و مقاله‌های ترجمه‌شده به چاپ نرسیده.